

خران زده

در این خران زده گی آ
بها کرده حوان ام
در نوره و نون شکفتی
شکفته در دل و حال ام
که لحظه ای نگذار
دگر به خانه بیا نم

زبانچه چاهیم در میان ورقس بنزد در فنان
ز عطر در هم گل آ چه سست می بود اسان
خوش چو آب بر دهنش زدن به کوه و بهالان
و یا به نوره حوانان

خی اسید حویدن
به لوبج مده سیدن

لندن آوریل ۲۰۰۵